اَلدَّرْسُ الثّانـي
درس دوم

اَلْوَجْهُ النّافِعُ، وَ الْوَجْهُ الْمُضِرُّ
چهرهٔ سودمند، و چهرهٔ زیان آور

﴿إِنَّ الَّذينَ آمَنُوا وَ عَمِلُوا الصّالِحاتِ إِنّا لا نُضيعُ أَجْرَ مَنْ أَحْسَنَ عَمَلاً﴾ اَلْكَهْف: ۳۰
همانا کسانی که ایمان آوردند و کارهای نیک انجام دادند همانا ما تباه نمی‌کنیم پاداش کسی که عمل خوب انجام داده .

في عامِ أَلْفٍ وَ ثَمانِمِئَةٍ وَ ثَلاثَةٍ وَ ثَلاثينَ وُلِدَ في مَمْلَكَةِ «السُّوَيد» صَبِيٌّ سُمِّيَ
در سال هزار و هشتصد و سی و سه متولد شد در کشور سوئد کودکی که نامیده شد
«أَلْفرِد نوبل». كانَ والِدُهُ قَدْ أَقامَ مَصْنَعاً لِصناعَةِ مادَّةِ «النِّيتروغليسرين» السّائِلِ
آلفرد نوبل . پدرش تأسیس کرده بود کارخانه‌ای برای تولید ماده نیتروگلیسرین ، مایع
السَّريعِ الِانْفِجارِ، وَلَوْ بِالْحَرارَةِ الْقَليلَةِ.
سریع الانفجار، حتی با حرارت کم .



اِهْتَمَّ أَلْفرد مُنْذُ صِغَرِهِ بِهٰذِهِ الْمادَّةِ، وَ عَمِلَ عَلَى تَطْويرِها مُجِدّاً، لِيَمْنَعَ انْفِجارَها.
اهتمام ورزید آلفرد از کودکی اش به این ماده، و کار کرد روی بهینه سازی اش تلاشگرانه تا مانع منفجر شدنش بشود
بَنىٰ مُخْتَبَراً صَغيراً لِيُجْرِيَ فيهِ تَجارِبَهُ، وَلٰكِنْ مَعَ الْأَسَفِ انْفَجَرَ الْمُخْتَبَرُ وَ انْهَدَمَ
ساخت آزمایشگاه کوچکی تا اجرا کند در آن تجربه‌هایش را ولی متأسفانه منفجر شد آزمایشگاه و ویران شد
عَلىٰ رَأْسِ أَخيهِ الْأَصْغَرِ وَ قَتَلَهُ. هٰذِهِ الْحادِثَةُ لَمْ تُضْعِفْ عَزْمَهُ، فَقَدْ واصَلَ عَمَلَهُ
بر سر برادر کوچکترش و او را کشت. این حادثه ضعیف نکرد اراده اش را ، پس ادامه داد کارش را
دَؤوباً، حَتّىٰ اسْتَطاعَ أَنْ يَخْتَرِعَ مادَّةَ «الدّينامِيت» الَّتي لا تَنْفَجِرُ إِلّا بِإِرادَةِ الْإِنسانِ.
با پشتکار، تا توانست که اختراع کند ماده دینامیت را که منفجر نمی‌شود مگر با اراده انسان .
بَعْدَ أَنِ اخْتَرَعَ الدّينامِيتَ، أَقْبَلَ عَلىٰ شِرائِهِ رُؤَساءُ شَرِكاتِ الْبِناءِ وَ الْمَناجِمِ وَ الْقُوّاتُ
بعد از اینکه اختراع کرد دینامیت را ، روی آوردند به خریدن آن رئیسان شرکت‌های ساختمانی و معادن و نیروهای
الْمُسَلَّحَةُ وَ هُمْ مُشْتاقونَ لِاسْتِخْدامِهِ، فَانْتَشَرَ الدّينامِيتُ في جَميعِ أَنْحاءِ الْعالَمِ.
مسلح درحالی که مشتاق بودند به کارگیری آن ، پس پخش شد دینامیت در همه سمت و سوهای جهان .